



بسیار است که در این کتاب مذکور است و در این کتاب نیز مذکور است و در این کتاب نیز مذکور است

ادعای طوبی در مدح فاطمه و شوهر و پسران او از برای من روایت نمود که حضرت رسول با فاطمه فرمود یا فاطمه انما اهل بیت اعطینا الله فیها لم یعطها احد من الاولین ولا یدرکها احد من الاخرین غیرنا معنا خیر الا نسما و هو ابونک و وصنا خیر الا وصنا و هو نعلک و شهیدنا خیر شهید و هو عم ایک و بنایطایه الاله و اما ایماک و مینا المهدی الذی الامام تصبی خلف عیسی بن مریم ثم ضرب علی منکب حسین علیه السلام و قال من هذا مهدی بنده و بعد میگوید و همچنین اخراج نموده است او را در قطنی صاحب خرج و تقدیر یعنی ای فاطمه ما خانه داده پیایم که خداوند شش حضرت با عطا فرموده است که یکی از آنها را با حدی از اولین عطا فرموده است و یکی از آخرین هم او را در آن خواهد نمود غیر از ما اول آنکه پیغمبر ما بهترین همه پیغمبران است و او پدر تو میاشد و آنکه دخی ما بهترین همه اوصیا است و او شوهر تو میاشد سیم آنکه شهید ما بهترین شهیدان میاشد و او عم پدر تو همزه است چهارم آنکه از ما میاشد و وسط این است که حسن و حسین باشند و آن هر دو پسران تو میاشد پنجم حضرت طیار از ما میاشد که بدو بال خود در جنت پرواز میکند ششم آنکه از ما میاشد همدی این است و او اما که نماز میکند در عقب سر او عیسی بن مریم پس آنحضرت دست مبارک خود را بدو امام حسین ع بنا داده فرمود همدی از این پسر خواهد بود و این حدیث شریف را جمعی از علماء و فضلاء خاصه و عامه از سلمان و غیره نقل کرده اند و بضاعت

بسیار است که در این کتاب مذکور است و در این کتاب نیز مذکور است و در این کتاب نیز مذکور است

بسیار است که در این کتاب مذکور است و در این کتاب نیز مذکور است و در این کتاب نیز مذکور است

روایت میکند عبدالله پسر عمر بن الخطاب از حضرت رسول ص که فرمودند  
بسیار جدی و بر سر او غماه میباشد که بر او علی موکل است که ندا میکند بجز خلیفه  
المهدی تا بگویند یعنی این خلیفه خدا مهدی است پس او را متابعت نمایند و همین  
روایت را بعینها ابو نعیم و طبرانی و غیره نقل کرده اند از آنحضرت و بعضی  
جابر بن عبدالله انصاری روایت میکند از حضرت رسول ص شنیدم که فرمود  
سکون بعدی خلفا و من بعد الخلفاء امرنا و من بعد الامراء ملوک خیاره ثم  
ثم یخرج المهدی من اهل منی یلا الارض قسطا کما ملئت جورا یعنی زود است  
که خواهند بود بعد از من خلیفه ما و بعد از خلیفها امرنا خواهند بود و بعد از ایشان  
پادشاهان برکننده خواهند بود و بعد از آنها پادشاهان خواهند آمد مهدی از اهل  
میت من که بر کند زمین را از عدل بعد از آنکه بر شده باشد از جور پس این صحیح  
بعد از ذکر مذکور است رفع استبعادات و دفع شبهات طول عمر آنحضرت را میکند اول  
ادرا مثل خضر و الیاس و عیسی و دجال و شیطان میزند و از برای تقا هر یک  
از مذکورین آیه از قرآن شاهد میآورد که محال نیست تقا آنحضرت مثل تقا این  
اشخاص و پس از اینها ذکر عذرات و امارات ظهور او را میکند و ذکر قهار و سید  
سلوک او را با مردم نماید و چون ذکر همه کلمات او موجب تطویل است لهذا همین قدر  
کفایت کلام او نمودم که شیعیان بدانند که جمعی از علما استیفاء هم قائل بوجود  
سبارک حضرت مهدی آل محمدیم میباشند و اخبار بسیار و آثار بسیار از حضرت رسول

ص روایت میکند عبدالله پسر عمر بن الخطاب از حضرت رسول ص که فرمودند  
بسیار جدی و بر سر او غماه میباشد که بر او علی موکل است که ندا میکند بجز خلیفه  
المهدی تا بگویند یعنی این خلیفه خدا مهدی است پس او را متابعت نمایند و همین  
روایت را بعینها ابو نعیم و طبرانی و غیره نقل کرده اند از آنحضرت و بعضی  
جابر بن عبدالله انصاری روایت میکند از حضرت رسول ص شنیدم که فرمود  
سکون بعدی خلفا و من بعد الخلفاء امرنا و من بعد الامراء ملوک خیاره ثم  
ثم یخرج المهدی من اهل منی یلا الارض قسطا کما ملئت جورا یعنی زود است  
که خواهند بود بعد از من خلیفه ما و بعد از خلیفها امرنا خواهند بود و بعد از ایشان  
پادشاهان برکننده خواهند بود و بعد از آنها پادشاهان خواهند آمد مهدی از اهل  
میت من که بر کند زمین را از عدل بعد از آنکه بر شده باشد از جور پس این صحیح  
بعد از ذکر مذکور است رفع استبعادات و دفع شبهات طول عمر آنحضرت را میکند اول  
ادرا مثل خضر و الیاس و عیسی و دجال و شیطان میزند و از برای تقا هر یک  
از مذکورین آیه از قرآن شاهد میآورد که محال نیست تقا آنحضرت مثل تقا این  
اشخاص و پس از اینها ذکر عذرات و امارات ظهور او را میکند و ذکر قهار و سید  
سلوک او را با مردم نماید و چون ذکر همه کلمات او موجب تطویل است لهذا همین قدر  
کفایت کلام او نمودم که شیعیان بدانند که جمعی از علما استیفاء هم قائل بوجود  
سبارک حضرت مهدی آل محمدیم میباشند و اخبار بسیار و آثار بسیار از حضرت رسول

روایت میکند عبدالله پسر عمر بن الخطاب از حضرت رسول ص که فرمودند  
بسیار جدی و بر سر او غماه میباشد که بر او علی موکل است که ندا میکند بجز خلیفه  
المهدی تا بگویند یعنی این خلیفه خدا مهدی است پس او را متابعت نمایند و همین  
روایت را بعینها ابو نعیم و طبرانی و غیره نقل کرده اند از آنحضرت و بعضی  
جابر بن عبدالله انصاری روایت میکند از حضرت رسول ص شنیدم که فرمود  
سکون بعدی خلفا و من بعد الخلفاء امرنا و من بعد الامراء ملوک خیاره ثم  
ثم یخرج المهدی من اهل منی یلا الارض قسطا کما ملئت جورا یعنی زود است  
که خواهند بود بعد از من خلیفه ما و بعد از خلیفها امرنا خواهند بود و بعد از ایشان  
پادشاهان برکننده خواهند بود و بعد از آنها پادشاهان خواهند آمد مهدی از اهل  
میت من که بر کند زمین را از عدل بعد از آنکه بر شده باشد از جور پس این صحیح  
بعد از ذکر مذکور است رفع استبعادات و دفع شبهات طول عمر آنحضرت را میکند اول  
ادرا مثل خضر و الیاس و عیسی و دجال و شیطان میزند و از برای تقا هر یک  
از مذکورین آیه از قرآن شاهد میآورد که محال نیست تقا آنحضرت مثل تقا این  
اشخاص و پس از اینها ذکر عذرات و امارات ظهور او را میکند و ذکر قهار و سید  
سلوک او را با مردم نماید و چون ذکر همه کلمات او موجب تطویل است لهذا همین قدر  
کفایت کلام او نمودم که شیعیان بدانند که جمعی از علما استیفاء هم قائل بوجود  
سبارک حضرت مهدی آل محمدیم میباشند و اخبار بسیار و آثار بسیار از حضرت رسول

ص روایت میکند عبدالله پسر عمر بن الخطاب از حضرت رسول ص که فرمودند  
بسیار جدی و بر سر او غماه میباشد که بر او علی موکل است که ندا میکند بجز خلیفه  
المهدی تا بگویند یعنی این خلیفه خدا مهدی است پس او را متابعت نمایند و همین  
روایت را بعینها ابو نعیم و طبرانی و غیره نقل کرده اند از آنحضرت و بعضی  
جابر بن عبدالله انصاری روایت میکند از حضرت رسول ص شنیدم که فرمود  
سکون بعدی خلفا و من بعد الخلفاء امرنا و من بعد الامراء ملوک خیاره ثم  
ثم یخرج المهدی من اهل منی یلا الارض قسطا کما ملئت جورا یعنی زود است  
که خواهند بود بعد از من خلیفه ما و بعد از خلیفها امرنا خواهند بود و بعد از ایشان  
پادشاهان برکننده خواهند بود و بعد از آنها پادشاهان خواهند آمد مهدی از اهل  
میت من که بر کند زمین را از عدل بعد از آنکه بر شده باشد از جور پس این صحیح  
بعد از ذکر مذکور است رفع استبعادات و دفع شبهات طول عمر آنحضرت را میکند اول  
ادرا مثل خضر و الیاس و عیسی و دجال و شیطان میزند و از برای تقا هر یک  
از مذکورین آیه از قرآن شاهد میآورد که محال نیست تقا آنحضرت مثل تقا این  
اشخاص و پس از اینها ذکر عذرات و امارات ظهور او را میکند و ذکر قهار و سید  
سلوک او را با مردم نماید و چون ذکر همه کلمات او موجب تطویل است لهذا همین قدر  
کفایت کلام او نمودم که شیعیان بدانند که جمعی از علما استیفاء هم قائل بوجود  
سبارک حضرت مهدی آل محمدیم میباشند و اخبار بسیار و آثار بسیار از حضرت رسول

از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده است بد آنکه حضرت  
اخیر دلالیت بر حقیقت خلفاء ندارد زیرا که آنحضرت پیمان وقوع واقعه را نموده  
که بعد از من چنین و چنان خواهد شد و خلفاء و امراء هم میرند چنانچه پادشاهان  
هم خواهند رسید چنانچه حدیث الخلاء بعدی ماثون شده است از آنحضرت  
روایت کرده اند و معارضات این اخبار را با اخبار شیعیان در حدیث کلمه  
با وجود اینکه مدت خلافت خلفاء اربعه و شش ماه امام حسن خلیفه شدن را با  
سایر اخبار بسیار در کتاب سنی شیعیه نوشته ام و اما مدت عمر آنحضرت را خدا  
میداند که چه قدر خواهد بود و لکن در خبری وارد شده است که باید آنحضرت  
تقریباً اولاد خود را مشکل و مشکوک نموده بجهاد بفرستند و بعضی از حکما گفته اند  
که آنحضرت عمر هفت کرس خواهد نمود و بعضی گفته اند باید آنحضرت بقدر اطمینان  
سومین ساله تمام عمر نماید بجهت حصول مطابقت میان این امت و امتهای گذشته  
و عمر چند نفر طولانی بوده است از مؤمنین و کافرین اولاد آدم یکی خنوخ و یکی  
ایاس و یکی لقمان و یکی عیسی و یکی ادریس و یکی نوح که دو نفر ایشان زنده اند و  
دو نفر ایشان زنده با سمان رفته اند و دو نفر ایشان مرده اند و همه از خوبانند  
و از بندگان هم بسیارند مثل جلال بن ابراهیم که اولاد آدم باشد چنانچه در روایتی  
وارد شده است و در خبری در زمان حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم است که  
هنوز از زمان موسی زنده است و در میانان مصر است و لا ساس مگوید کسی

بسیار از این روایتها در کتب معتبره  
و در کتب معتبره روایت شده است  
و در کتب معتبره روایت شده است  
و در کتب معتبره روایت شده است

و در کتب معتبره روایت شده است  
و در کتب معتبره روایت شده است  
و در کتب معتبره روایت شده است  
و در کتب معتبره روایت شده است

و در کتب معتبره روایت شده است  
و در کتب معتبره روایت شده است  
و در کتب معتبره روایت شده است  
و در کتب معتبره روایت شده است



باید که در این زمان که در این عالم است و در این زمان که در این عالم است و در این زمان که در این عالم است

انکار وجود آن حضرت بجهت کثرت طول عمر او غلط و باطل است زیرا که اشاع عقلی  
و عرفی و شرعی ندارد که خداوند محبت خود را بجهت مصالح حذر از نظر باغای نماید  
و بعد از متقی مدتی او را ظاهر سازد چنانچه جمعی از اولیاء و انبیا و اوصیاء زمانهای  
گذشته غایب شدند و تمام آنها بعد از ظاهر گردیدند و دعوت الهی را تمام نمودند و بهترین از ملائکه  
و جن و شیاطین پارانند که بر یک چندین هزار سال عمر نموده اند مثلاً شیطان چندین سال  
قبل از خلقت آدم خلق شده بود و پسر زاده او که نام بن همیم بن لاقیس ابن بلیس باشد  
در زمان آدم موجود شد و ایمان بجهت پسران آورد و با نوح در کشتی بود و از شیاطین گسیخته  
و مسلمان و خوب نیت و حال هم مسخ میشود که بگویم ای هند جنس خود نیامیند  
و هر یک مدت مدیده زندگانی دنیای فانی را میکنند بلکه بعضی از آنها را در ضمها و ضمها  
یکصد از آنکه سالهای بسیار بر او میکند رد پس تعجب از عمر آن حضرت نیست تعجب آنست  
که طول عمر اشخاص مذکور را قائلند و عمر آنجا را مگر بجهت تعجب حال آنکه عمر او از اعجاز مذکور  
براتب قهرت زیرا که تولد آن جناب در دویست پنجاه و پنج سالگی بود و بنا بر  
نور و حال که زمان تخریب این عجل است هزار و چهارده سال و دو ماه کم است تعجب  
دارد که خداوند او را حفظ فرماید و چون بخاهد او را ظاهر نماید و امر خود را بواسطه او جا  
فرماید و آثار مدت سلطنت او بهم نیز اختلاف در اخبار و آثار این بسیار است  
اقوال شده است پس هفت سال ده سال است سال و شش سال و صد و نه سال بعد  
است اصحاب کهنه در غار کعبه اند چنانچه خداوند میفرماید و لیسونی که فهمم ثلاثا تسین

این کتاب است که در این زمان که در این عالم است و در این زمان که در این عالم است و در این زمان که در این عالم است

باید که در این زمان که در این عالم است و در این زمان که در این عالم است و در این زمان که در این عالم است

فکر در این دنیا را در این دنیا  
 که از این دنیا در این دنیا  
 که از این دنیا در این دنیا  
 که از این دنیا در این دنیا

یعنی وز داد او است تا پس جمع میانه اخبار ممکن است بوجه عیدیه که یکی از آنها  
 این است که مدت سلطنت آنحضرت از ابتدا تا هفتاد و نه سال باشد  
 و هفتاد سال از شخص آنجناب باشد که احدی از بنی آدم بجز او در روی زمین سکون  
 از زمین سلطنت نکند و در باقی احوال دنیا از مشرکین و کافران و ظالمین و فاسقین  
 مشغول جلال و جهاد باشد و غیر از آنحضرت هم قبل از استیلاء او سلطنت نمایند و آن  
 سال و مشغول تعلیم احکام جلال و عوام بر جمیع اهل دنیا باشد که بجز حکم و سلطنت او  
 و با جبر احد و دو احکام حکم احدی از بنی آدم نافذ نباشد یا آنکه مراد از هفتاد سال  
 و هفتاد سال مذکور باشد زیرا که هر سال آن زمان مقابل با ده سال این زمان است  
 زیرا که خداوند امر همیشه باید افلاک را که با رام حرکت نمایند و از بطئی حرکت نمودن  
 افلاک خاصه فلک اعظم و فلک اطلس و فلک افلاک حرکت خاصه متوالیه  
 آفتاب و ماه و حرکت فلکی آنها که بر خلاف توالی است بطئی واقع شود و بتانی حرکت  
 نماید که مدت زمان حرکت بگذرد و در استوائی و غیر استوائی بقدر حرکت ده سال  
 از زمانه این زمان واقع شود و این موجب شود در افلاک نمیشود زیرا که خداوند قادر  
 تغییر دادن افلاک است که بطئی را سریع و سریع را بطئی تبدیل نماید و الا بجز او لا  
 یساید و این کثرت و تحقیق این مسئله اگر چه در علم هیئت است مگر این است  
 و نجوم قائل نیستند بعبت و بطئی حرکت کردن افلاک زیرا که آنچه افلاک حرکت  
 خاصه و غیر خاصه از مذبحان طریق حرکت میکنند بدون کم و زیاد و الا آنکه اخبار بسیار

که از این دنیا در این دنیا  
 که از این دنیا در این دنیا  
 که از این دنیا در این دنیا  
 که از این دنیا در این دنیا

فکر در این دنیا را در این دنیا  
 که از این دنیا در این دنیا  
 که از این دنیا در این دنیا  
 که از این دنیا در این دنیا





*در آگاهی از لغت و معانی کلمات و تفهیم در بیان آن*

و داده اند و ما بعضی از آنها را از بعضی از آفاضل حدیثین نقل می کنیم که موجب زیادت  
بصیرت و حصول معرفت با کثرت شود بدینگونه چون بحجاب بواسطه صفات هدیه  
نکبه و باعتبارات مختلفه ذکیر که دارد اسمای مختلفه از برای او پیا شد در هر دین  
و مذہب و ملت و هر زبان و کتاب از کفار و مشرکین و اهل کتاب در صحف و تورات  
و انجیل و زبور و قرآن و هر یک از اینها را اولیا و علماء و ارباب علوم مختلفه در کتب  
خوانده اند چنانچه جمعی از علماء بقریح با و فرموده اند مثل قائم و مهدی و مطهر و صاحب  
و ناصر و حجة و برهان و نجم و حمزه و غیره در صحف آریهیم صاحب و در زبور  
قائم و در تورات آقید سوس و در انجیل تمیید و در کتاب فرنگان مسیح از زمان  
و در کتاب مذمت سرور ایشان نیز در کتاب سیاح که تفسیر زند و پازند است  
برام و بنده یزدان و در کتاب آرماتس شاطیس و در کتاب هزار نام هندو  
لند بطارا و در کتاب جاودان خوانند و در کتاب بعضی از مضار اخسرو و در کتاب  
ارثی میزان آهن و در بعضی صحیفه آسانی کل آهن و لسان الحق و در کتاب کندران  
حصصام الاکبر و در کتاب کبریا جم گتیا ذویم و از دانشاس و در کتاب پاتکل را آنها  
و در کتاب شاکون استیاده و خدا شناس و در بعضی کتب مجتبه و منصور و فرخنده  
و بقیة اللہ و برهان اللہ و قانع میگویند و هر صاحب علمی از مجتبه خجارتین  
و اثرشناسان و اهل کشف و ریاضتین و مرتاضین و اهل کتاب و علماء متقدمین و  
متاخرین و کفره و مشرکین و کفری از کثرت نموده اند و خبر آمدن او داده اند و لکن

*عشق جنان زدی جان آرا  
عقل و معرفت در این عالم  
بیت نیازی در این عالم  
حکمتی از علم ایزد  
و معرفت چون اولی ازین  
و اول حق محکم  
و اول حق محکم  
و اول حق محکم  
و اول حق محکم  
و اول حق محکم  
و اول حق محکم*

*در بیان کلمات و معانی کلمات و تفهیم در بیان آن*

و او اند و لاکن که هر چیزی از او فهمیده اند و اختلافات بسیار در خصوص او نموده اند  
 بعضی او را پیغمبر میدانند مشهور و بعضی او را پادشاه میدانند و بعضی او را خلیفه میدانند  
 و بعضی او را امام عصر میدانند و بعضی که اند آمده در قه است و بعضی که اند آمده است  
 و خواهد آمد و از برای آمدن او علامات بسیار است و ما نقل از حکماء بعضی از این علامات  
 بعضی حکماء گفته اند که معنی کسب چنانچه بعضی از محدثین نموده اند از آن جمله  
 صد سال کتاب یا کتابی که از کتب اعظم کفره هستند در ایام شدت عمر  
 دنیا و بعد عمر دنیا چنانچه طور است بطوری چهارگانه است در هر دوری چهار دور  
 دوری چهار سال است که مجموع او میشود بیست و هشتاد و چهار هزار  
 سال پس گفته است چون دوره تمام شود دنیا کهنه تر شود و زنده بگذرد و صاحب  
 و صاحب ملک تازه پیدا گردد از سنه زنده و پیشوای جهان که یکی ناموس آخر الزما  
 و دیگری صدیق اکبر یعنی وصی بزرگتر که بشن نام دارد و نام صاحب ملک ماهنام  
 بجای پادشاه شود و خلیفه رام حق باشد و رام بعثت ایشان یعنی خدیو است آن پادشاه  
 بجای پیغمبران چون ابراهیم و خواجه خضر حکم برآند و در امیزه پست است و  
 هر که پناه باو برود دین بدارد او را اختیار نماید شرح رو باشد و زرد رام و دولت  
 او بسیار کشیده شود و عدلش از غیر زندان ناموس اگر زیاده و آخر دنیا بدو تمام شود  
 و از ساحل دریای محیط و سلازید و قبر با آدم و جبال بقره و شمال اهل انزلی تا سینه  
 بحر جانوس را سینه کرده اند و شانه سومات را خراب کند و با سینه کابل و شانه

این کتاب از تصنیف شیخ ابوالحسن علی بن ابی طالب علیه السلام است  
 و در این کتاب از خصوص او و علامات او و اخبار او و غیره  
 بسیار گفته اند و در این کتاب از خصوص او و علامات او و اخبار او و غیره  
 بسیار گفته اند و در این کتاب از خصوص او و علامات او و اخبار او و غیره  
 بسیار گفته اند

این کتاب از تصنیف شیخ ابوالحسن علی بن ابی طالب علیه السلام است  
 و در این کتاب از خصوص او و علامات او و اخبار او و غیره  
 بسیار گفته اند و در این کتاب از خصوص او و علامات او و اخبار او و غیره  
 بسیار گفته اند و در این کتاب از خصوص او و علامات او و اخبار او و غیره  
 بسیار گفته اند

این کتاب از تصنیف شیخ ابوالحسن علی بن ابی طالب علیه السلام است  
 و در این کتاب از خصوص او و علامات او و اخبار او و غیره  
 بسیار گفته اند و در این کتاب از خصوص او و علامات او و اخبار او و غیره  
 بسیار گفته اند و در این کتاب از خصوص او و علامات او و اخبار او و غیره  
 بسیار گفته اند



بنده زنده تر کس است که در دنیا بگذرد  
زین عالم غافلانه و بی خبرانه  
چون که در دنیا بگذرد و در آخرت  
بماند و در آخرت بماند

و سن چو ک که گفته است و ما و اخر دنیا یکی ببرد که خدا را دوست دارد  
و از بسندگان خاص باشد و نام او فرخنده و خسته باشد خلق را زنده کند حکم  
جانش که خدمت و تباها کار را زنده کند که در دنیا اشراق کرده باشد و حق خدا بپوشد  
پا مال کرده باشد همه را بیوزند و عالم را نکند و هر بیدی را سزا دهد و یک کرد و دوست  
اوست که عبارت از چهار هزار سال باشد و از آن جمله است و ادانک  
که از کتب بر اید است که بعد از آنکه نیلانی بهم رسد در آفتاب الزمان  
و اسلام در میان مسلمانان از ظلم ظالمان و فسق عالمان و تعدی حاکمان  
و ریای زاهدان و پدیا بی امان و حید حاسدن بر طرف شود و دنیا محلو  
شود از ظلم و ستم و اسلام بر طرف شود و بجز نام از او نماند و پادشاهان  
ظالم و بی رحم شوند و رحمت بی انصاف شوند و در خرابی یکدیگر گویند و عالم را کفر و  
ضلالت بگردست حق بیاورد و جانشین آنرا که ممتا طاکه حق باشد ظهور کند  
و مشرق و مغرب عالم را بگرد بگرد و همه جا و پیکار سازا بکشد و خلافت را بدست  
کند و آن در جاتی باشد که ترکان امیر مسلمانان باشند و غیرین در راستی از کوشی  
کند و از آن جمله است کتاب که نوشته است که جو توب و جا ما سب او را  
بیکویند و از اسرار تعجب است احوال پادشاهان و اسپهان و اوصیاء و اولیاء از  
پان میکند تا آنکه احوال حضرت رسول خدا پیغمبر آخر الزمان صلی الله علیه و آله و سلم  
نیز می گویند و بعد از آن میگوید که در فرزند آن و فرستاد که نورش جهان

و از بسندگان خاص باشد و نام او فرخنده و خسته باشد خلق را زنده کند حکم  
جانش که خدمت و تباها کار را زنده کند که در دنیا اشراق کرده باشد و حق خدا بپوشد  
پا مال کرده باشد همه را بیوزند و عالم را نکند و هر بیدی را سزا دهد و یک کرد و دوست  
اوست که عبارت از چهار هزار سال باشد و از آن جمله است و ادانک  
که از کتب بر اید است که بعد از آنکه نیلانی بهم رسد در آفتاب الزمان  
و اسلام در میان مسلمانان از ظلم ظالمان و فسق عالمان و تعدی حاکمان  
و ریای زاهدان و پدیا بی امان و حید حاسدن بر طرف شود و دنیا محلو  
شود از ظلم و ستم و اسلام بر طرف شود و بجز نام از او نماند و پادشاهان  
ظالم و بی رحم شوند و رحمت بی انصاف شوند و در خرابی یکدیگر گویند و عالم را کفر و  
ضلالت بگردست حق بیاورد و جانشین آنرا که ممتا طاکه حق باشد ظهور کند  
و مشرق و مغرب عالم را بگرد بگرد و همه جا و پیکار سازا بکشد و خلافت را بدست  
کند و آن در جاتی باشد که ترکان امیر مسلمانان باشند و غیرین در راستی از کوشی  
کند و از آن جمله است کتاب که نوشته است که جو توب و جا ما سب او را  
بیکویند و از اسرار تعجب است احوال پادشاهان و اسپهان و اوصیاء و اولیاء از  
پان میکند تا آنکه احوال حضرت رسول خدا پیغمبر آخر الزمان صلی الله علیه و آله و سلم  
نیز می گویند و بعد از آن میگوید که در فرزند آن و فرستاد که نورش جهان

نورش جهان  
نورش جهان  
نورش جهان  
نورش جهان  
نورش جهان  
نورش جهان  
نورش جهان  
نورش جهان  
نورش جهان  
نورش جهان



تنبیحاتی که در این کتاب است

تنبیحاتی که در این کتاب است

و دشمنان خدا و کافر از زنده کردند ستونش را که نمرود باشد و او را  
ما بر ج و نسج بسوزاند که مراد فرعون و قارون باشد و گمان وزیر فرعون را  
زنده کند و بسوزاند و سایر زنده نموده بسوزاند که اسرافیلیا را که راه نمود و از خانه  
و ماوند بر آورد و سخاک علوانی را و او را دیوان مظلوم کند و زنده کند شامی را که در  
پهلوی را بجه زنده کند صدم قاضی شریوط را و محقق قاضی ترسایان را و مار  
یعوب عالم مضار را زنده کند و باغ اهرمن را که عمل اخلام را پدید در میان قوم  
لوط با و داد و زنده کند زردان را و همیسن زنده کرد اندا تا زاک در دنیا بدعتها  
نما و زنده کند یک که طبع را خدایند و صاحب که شماره پرتیرا بنیاد  
کرد و سیلانرا که مبد را نور و طلعت میداند و کون بکاف عجمی را که اصل وجود آب  
و اشرف خاک میداند و هماینها را قدیم میخواند غلط باین چرا حد و هماینها را بسوزاند  
و از یاد شاهان اقوام خود را زنده کند که مشنها در دین کرده باشند و خوبان نبدگان  
یزد انرا گشته باشند و رستم بن زال را زنده کند و کبیر را زنده نماید و دیوان  
همه را بکشد و همه را بکشد و بسوزاند و خاکستر ایشان را پدید ریای محیط یزد و دیوان  
اهرمن و تبه کارانرا بکشد و نام این پادشاه بهرام باشد از خورشید جهان و شاهان  
کما و خورشیدین باشد که مراد محمد است صود ظهور او در آفرینا باشد و عمرهت که گشت  
و چون خروج نماید همراهی قرن باشد از زمان که تا زبان بر فارسیان غلبه کنند  
و شهرهای ایشانرا بگردند و شهرهای عمان خراب شود و اکثریت سلطانان را بکشد

تنبیحاتی که در این کتاب است

تنبیحاتی که در این کتاب است

کتابی در بیان سوره های قرآنی و تفسیر آنها  
در بیان سوره های قرآنی و تفسیر آنها  
در بیان سوره های قرآنی و تفسیر آنها

تا زینک برآید و جنک کند و در اینک یعنی در حال بر او کتاب و تهراسب را  
زندگ کند و بدربکشد و با او صاحب صابی و اسکندرین و ارا بر ازنده کند و او را بنظر  
بفرستد و دستم را بمصروفید بزرگی که از پدران پادشاه آن باشد برود قطنیند و بگرد  
دهند و سیستان را فتح نماید و علمای ایمان و مسلمانان در آنجا برآید و عصای سرخ نشان  
با هو و از که موسی بن عمران است با او باشد و هر جا که چون شاه کند مکشاید و انگشته خود  
سلیمان مع با او باشد و این برام از فرزند ندان زردان بزرگ که حضرت ابراهیم است  
باشد و او دست آیزد کتب و کتاب بزرگ مثل جناسب و او دست کیارند یعنی پادشاه عظیم  
کیان و شیطان از او بگریزد و کیهان خدایت و از فرزند سین است و در نزدش ماند  
که با نصد قرن باشد او دیار آتش است و پیشوا کی گشتند و برود تا بمقدونیه که دارالملک  
فلقوس است و در ساحل بحر اقصا بوس نمیدزند که آخر زمین و نیاست و همه جهان را بیکه  
کند و کیش گری و دین زردشتی و این ساسا و گیانی نمایند و دنیا و پیوران خدا  
و شباهه دان و مؤبدان و حکیمان و پروردان و دیوان و مرغان و همه اصناف جان  
و اینها و باد ما و مرده این سفید رویان در خدمت او باشند و از مغرب بر گردد و در خل  
ظلمات شود و جزیره استاس با خراب کند و اسرافیل صاحب بوق نوزاد او آید  
اشی کلام جا تا تب جگم و از آنجمله بود قائل شده اند که ما شمع در آخر الزمان پدید  
و او بمعنی بزرگ است مدی که پادشاه پادشاهان باشد و لکن او را از اولاد او  
میدهند نه از اولاد اسمعیل و حال آنکه خطا رقتند و احوال آنحضرت شغای غم

کتابی در بیان سوره های قرآنی و تفسیر آنها  
در بیان سوره های قرآنی و تفسیر آنها  
در بیان سوره های قرآنی و تفسیر آنها

کتابی در بیان سوره های قرآنی و تفسیر آنها  
در بیان سوره های قرآنی و تفسیر آنها  
در بیان سوره های قرآنی و تفسیر آنها

جوابی که در این کتاب است در جواب سئوالاتی است که در این کتاب است

سعیای پیمبرنی اسرائیل و نجاس در میانه پیمبر و مرداس پیمبر و کسان پیمبر و یکی پیمبر  
 و از در اس پیمبر و غیر از اینها از پیمبران نی اسرائیل که هم تفریح نموده اند بوجود آنحضرت  
 در آخر الزمان که اگر بخواهیم تفصیل عبارات ایشان را بدیم کلام تطویل می انجامد و همچنین  
 مضار بوجود آنحضرت قائل شده اند و در بعضی از آنها حمل از بعضی ایشان  
 احوال آنحضرت تمثیل مذکور است مثل مکاشفات یوحنا و کلمات منی و داود دی  
 از مضاری میگویند مآبدی ظهوری کند و عالم را خواهد گرفت و عیسویان را می کشد  
 و ماوریان و پادریان و کشتیان و خلیفه ما و آنانکه روغن بسا آنها پشیمان  
 میمانند و بر کادامی بندند و یا بعضی کاد بر خویشهای بندند که زمین را ختم و شیار  
 کنند و تخم بکارند و ایشان را بآب عذاب می کند و دیگر خبری از مضار قبول نمی کند  
 الا اسلام یا کشتن و ایضا نقل از کتاب اشرفی و کتاب دکمان و  
 کتاب سدره مضار است که مستور است که چون ماه از تار آن طلوع  
 کند و دوازده دانه پشمار داشته باشد که بعد از او بجای او حکم براند و آنوقت در  
 مسیحیان است و برهم خوردن دین ایشان و جزیه بدهند و خاک گردند شهر شهر بگردند  
 دو از هم ایشان صاحب علم شود و علم بر قدس خلیل و ناصر زند و شکر او تا بجز  
 سوف خیمه زند و یهودانرا بگیرد و مسیحیانرا بر پای کند و در خراب کند و پای  
 باشد و بیکل دنیا را خراب کند و پادشاهان و فرنگ را ذلیل نماید و آنوقت  
 بر پشت او باشد و در حال از کوه که بر آید فرسوار که آن خزر بزرگ چون که پیشتر

این کتاب است در جواب سئوالاتی است که در این کتاب است

این کتاب است در جواب سئوالاتی است که در این کتاب است



از جهت آنکه صاحب جنگ کند و از زمان انبوس که مراد شیخ باشد و بر او است و هرگز انبوس از بر کین که آسمان باشد بر آید با جواریت و ایشان در پس و پیش و جنگ کنند و بر او است دیگر شیخ تا صری و بانگ تا قوس در عالم کم شود و زنجیر کرد

سیحان کشدای قوم فکر خود کند که جزا داده میشود و بردار کشیده میشود از دست شکر دم یعنی ایسلام در راه گیر نخواهد بود و بخیر شمشیر ایشان و کردن شما و از آن جمله ایشان همه قائل شده اند بوجه قدسی علیه السلام در آخر الزمان او خیار بسیار بطرق ایشان در باب ظهور قدسی در کتب معتده خود روایت نموده اند لیکن گفته اند افاضیان او را امام معترض لطافه میدهند و حال آنکه چنین است بلکه او از فرزندان رسول خداست ولیکن پادشاه خواهد شد که سر آمد همه پادشاهان باشد و لکن در خصوص آنحضرت کلمات بسیار مختلفه گفته اند بعضی از ایشان گفته اند هنوز متولد نشده است و جمعی کثیر و جمعی غیر از ایشان مثل محمد بن یوسف که بنی در کتاب بیان و بطلان این جوی در کتب اخصاص و خطب دمشق اسکندران و باقلانی و ابن ابی شواریب قاضی عباسی و احمد بن حنبل در سننه و ابن اثیر در جامع الاصول و صاحب کتاب جمع بین الصحاح است و خواری در کتاب اربعین و ظاهر قول محمد بن عرابی در کتاب شوحات و حافظ ابو نعیم و ظاهر قول ثعلبی از محمد بن مغیره قائل شده اند که متولد شده است و لیکن علامه الدوله نمائی که از صوفیان است گفته است که جماعتی از اهل قبله ایشان را در قاف

کتابت تمام بود از جهت آنکه صاحب جنگ کند و از زمان انبوس که مراد شیخ باشد و بر او است و هرگز انبوس از بر کین که آسمان باشد بر آید با جواریت و ایشان در پس و پیش و جنگ کنند و بر او است دیگر شیخ تا صری و بانگ تا قوس در عالم کم شود و زنجیر کرد

از جهت آنکه صاحب جنگ کند و از زمان انبوس که مراد شیخ باشد و بر او است و هرگز انبوس از بر کین که آسمان باشد بر آید با جواریت و ایشان در پس و پیش و جنگ کنند و بر او است دیگر شیخ تا صری و بانگ تا قوس در عالم کم شود و زنجیر کرد



کتاب آیه الفی فی شرح الاشیاء... کلامی بر ما را... کلامی بر ما را...

صدی میداند و او را غایب میدانند و از او و از اولاد همدی است که از سلطان مصر...  
است و تا دو سینه از ایشان خود امام جعفر صادق علیه السلام...  
همدی میداند و مگویند آنحضرت نمرود و قاپ است و با شکر پاره...  
خواهد کرد و کذا است مگویند حقیقه همدی این است است او زن...  
در کوه رضوی در کوفه یقین یمن غایب شده است و در آخر الزمان ظهور میکند...  
و در حال با میکشد و دنیا پاره از عدل و داد کند و چاره و دست از طایفه...  
گویند که همدی محمد بن عبدالله بن حسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام...  
و او را غایب میدانند خود زیدیه محمد بن ابوالقاسم عمر بن علی بن حسین...  
همدی این است میدانند و او را غایب میخوانند و حال آنکه کلمه عباسی او را گرفته...  
حقیق نموده عباسیان هیچ عباسی را همدی این است میدانند و بعضی...  
از سینه مثل لطر و سینه همدی بر انزل و امام حسن مجتبی علیه السلام...  
میدانند و جمعی نگار آنحضرت را نموده اند و جمعی نگار حیات او را نموده اند...  
و اختلافات در وجود شریف آنحضرت بسیار است چنانچه گذشت...  
ولاکن همه بوجود شریف همدی است محمد قائل شده اند اگر چه در خصوص شخص او...  
اختلاف نموده باشند یا آنکه در شخصی و نوعی بودن مخالف باشند چنانچه...  
بعضی از باب تصوف همدی را شخصی میدانند بلکه میگویند نوعی است که تا...  
در هر زمان یکتفر همدی باشند و در هر یک از مرشدین جلوه و ظهور میکنند

کتاب آیه الفی فی شرح الاشیاء... کلامی بر ما را... کلامی بر ما را...  
کلامی بر ما را... کلامی بر ما را... کلامی بر ما را...  
کلامی بر ما را... کلامی بر ما را... کلامی بر ما را...  
کلامی بر ما را... کلامی بر ما را... کلامی بر ما را...

کتاب آیه الفی فی شرح الاشیاء... کلامی بر ما را... کلامی بر ما را...  
کلامی بر ما را... کلامی بر ما را... کلامی بر ما را...

زندانهای کجاست که در آنجا...  
بسیار از اینهاست که در آنجا...  
بسیار از اینهاست که در آنجا...

و ظهور می کند نور هدایت کاتبه بدیهی است که تا حضرات بزوعیت آن زکوة  
قابل نشوند نمود با آنکه چگونه مرشد درست میشود که قابل هدایت باشد علیهم  
و از جمله سخنانی لا طائل حضرات با پنهان با تیره که ظهور کلمه را قابل اند و میکنند که  
هر کس که متصف بصفت مذکوره شد قابل هدایت است که حسی که در او  
کون قلبی بل شجاعت و زداد است و آن اشخاصیکه و اطلای پنجاب می باشد همگی حاضر  
و معین اند که مذاکره آنها مورث تطویل کلام است و گسائیکه رتبه اطاعت  
و ارادت و اخلاص و مردی او را بگردن تسلیم و بندگی انداخته اند همین  
احمال شنید را که آن فاسق فاجر مرتکب شده ایراد میشود در جواب میکنند  
با اینست نفس ناطقه قدیم است او که مراقبت باین حال قوی نموده و فساد  
نظر با دنی تا ازل و از کلمات مولف مروج فساد اقوال مذموم است و نه آنجا  
که اندک مشاکرت فارغ فانیغ نور همیشه در میان علامات  
ظهور موفور اکثر دوران است و رأیت که باید قبل از ظهور  
حضرت آن امارات ظاهر شوند و آنها بر شش قسمند اول همیشه که آیه باید  
واقع شود مثل خروج و جال و صفائی و صیحه آسمانی و این هر سه علاماتی است  
که مقارن با ظهور خواهند بود و دو کم متعلقه شرطیه بیشتر است که هرگاه  
خدا خواهد واقع میشوند و الا فلا بجه حکمت و مصالحی و مقصود موافقی که خدا  
عالیمان میدند و بوق اصیلت با احوال عباد در شمار خواهد بود و

بسیار از اینهاست که در آنجا...  
بسیار از اینهاست که در آنجا...  
بسیار از اینهاست که در آنجا...

از اینهاست که در آنجا...  
از اینهاست که در آنجا...  
از اینهاست که در آنجا...

این دو دیون بودید میان من و شما که در این دنیا و آن دنیا...

خواهد بود و شاید بفعل عبادت و اطاعت موجود و مرفوع شوند و الله اعلم  
بغایب الامور... علاماتی است که بجای آن که زمان تکمیل این عبادت واقع شده  
شد با حقیقت تمام آثار آن است که مستور واقع نشده اند و باید واقع شوند...  
علاماتی است خاصه که مختص خود آن جناب است که بدانند خدا و را اذن ظهور داده است  
زیرا در بعض اخبار گذشته که علم ظهور را بجز خدا کسی نمیتواند و بین علامات کسی که  
نسبت با آنحضرت... علامات عاتقه است که از برای عاتقه عوام و خاص  
خاص ظاهر خواهد شد چنانچه خواهی دینت نشاء الله تعالی اما علامت  
و اماره محصنه آنجناب دو چیز است اول شیره آنحضرت است که در خلاف خود  
و چون خداوند می خواهد ظهور او را مریض نماید که ایف او بخودی خود از جن  
خود بیرون میاید و بزبان فصیح عرض میکند اخرج یا ولی الله فلا یخرج  
قلت ان تقعد بعدلان عن اعداء الله یعنی بیرون بروای ولی خدا پس  
دیگر حلال نیست از برای تو که بنشینی ازین بعد از دشمنان خدای تعالی دوم  
علم آنجناب است که شفا و بسته است و خود بخود باز میشود و بلند می گردد و  
عرض میکند یا ولی الله اقل اعداء الله یعنی آید و دست خدا گشاید دشمنان خدا را  
و با آنحضرت سه علم باشد که برقه علم اول نوشته شده است ایوم اکملت لکم  
دینکم و انعمت علیکم یعنی و رضیت لکم الاسلام دنیا یعنی امروز را کامل  
نمودم دین شما را از برای شما و تمام نمودم بر شما نعمت خود را و راضی شدم

در علامت آن جناب... در این دنیا و آن دنیا... در این عالم و آن عالم...

این دو دیون بودید میان من و شما که در این دنیا و آن دنیا...

شما صابریان را که در این راه راه می‌روید و در این راه راه می‌روید و در این راه راه می‌روید

و راضی شدم از برای شما که اسلام دین شما باشد و بر شقه علم دوم نوشته شده است  
که یوفون بالندیم و یخافون یوماکان شکر مطهر آ و بر شقه علم سوم نوشته شده است  
که لا اکه الا الله محمد رسول الله علی ولی الله و خلیفه و امین و امین و امین و امین  
الحسین او ضیاءه و اما ظهور موفور است و در آن سرور و سرور و سرور و سرور  
درین مجاهد علی سید الاخصار قرب بصبحت علامت رایتان می‌کنم تا آنکه شیعیان  
قوی البیان بر بصیرت باشند و هر خری که در صحرا عورت نماید نکونید این فرعون است یا  
هر کوهی از عانی نماید نکونید امام باب و نائب حاضر امام است زیرا که بخت  
در زمان عتبت کبری اصلا ناپ ندارد تا آنکه با مر الهی خود او یکدفعه ظهور نماید بیکر خفه  
اول خروج شعبان صالح نامیت از شهر مرقند که امور عظیمه را ترکیب خواهد شد و تا بجا  
خروج او معلوم نشده است و این ترتیب وقوع علامات میت بلکه مقصود تعدد  
و سردن آنهاست و شاید تقدیم و تاخیر در علامات مذکور است واقع شود دوم  
خروج عوف نامی است مسلکی در زمین جبریه که او را کوت گویند و قرب شهر ابوهریرا  
و خروج او با فتنه و فساد خواهد بود تا آنکه میرد و بدشق و در آنجا کشته خواهد شد  
سیم خروج حسنی است چنانچه از حضرت صادق علیه السلام منقول است که فرمود  
یکی از علامات ظهور کشته شدن پسری است از آل محمد در میان رکن و مقام که نام او  
محمد بن حسن زکیه است و در خبر دیگر است فاصله در میان کشته شدن او و ظهور  
فرخ پس از پانزده روز خواهد بود و در حدیثی فاصله پانزده روز خواهد بود و جمع میان

این علامات ظهور است و در این راه راه می‌روید و در این راه راه می‌روید و در این راه راه می‌روید

کشته شدن او و ظهور فرخ پس از پانزده روز خواهد بود و در حدیثی فاصله پانزده روز خواهد بود و جمع میان

دینا... افغان... کابغان... کویان... یون...

و جمع میان هر دو ممکن است بر محل ظهور دیگر بر مقدمات او و این علامت بمنور  
نیامده است و در حدیثی وارد شده است که همین نفیس زکویه از اصحاب حضرت  
قائم است و آنحضرت او را قبل از ظهور خود میفرستد که مردم را بشارت بطهورا تجاب  
بدهد و چون در کنگه اظهار ظهور آنحضرت نماید او را اهل کنگه بکشند و بعد آنحضرت  
ظهور نماید شاید مراد این باشد که در خواب با او فرمایشی نماید که خبر مردم  
نگهدارند اینکه او را ناپ خود قرار بدهد زیرا که از اخبار سابقه معلوم میشود  
که آنحضرت ناپ خاصی ندارد و قبل از ظهور خود مکرر آنکه محمول بر این باشد که حاصل  
میان ظهور او و فرستادن زکویه نباشد و او از آن سی نفری که نفری باشد که در وقت  
آنحضرت میمانند بجزه ناز جمع نمودن و فیض بعالم رسانیدن چهارم آنحضرت  
بنی عباس است در ملک و سلطنت و پادشاهی و این علامت واقع شده است  
و شاید بعد از این هم بنی عباس احنافی در سلطنت نمایند و بعضی از ایشان در  
بعضی از بلاد و سلطان شوند چنانکه فرض آفتاب است در نیمه ماه مبارک  
رمضان و گرفتن قرص ماه است در آخر ماه و هر دو بر خلاف نجوم و عادت و  
تعارف است زیرا که آفتاب در نیمه ماه نخواهد گرفت و ماه در سیزده و چهار  
یکبار دو در آخر ماه نخواهد گرفت زیرا که بقاعده اهل تحسب کسوف شمسی بواسطه  
حلول قرص چرخ میانه زمین و آفتاب و این در آخر ماه حاصل میشود و در  
وسط او و خوف قمر بواسطه جلوله ارض است میانه شمسی و قمر از مانع

یون... کابغان... کویان... یون... کابغان... کویان... یون...

یون... کابغان... کویان... یون... کابغان... کویان... یون...





بگویند اینست زوایای آن که در آنجا است  
بگویند اینست زوایای آن که در آنجا است  
بگویند اینست زوایای آن که در آنجا است  
بگویند اینست زوایای آن که در آنجا است  
بگویند اینست زوایای آن که در آنجا است  
بگویند اینست زوایای آن که در آنجا است  
بگویند اینست زوایای آن که در آنجا است  
بگویند اینست زوایای آن که در آنجا است  
بگویند اینست زوایای آن که در آنجا است  
بگویند اینست زوایای آن که در آنجا است

سبحان یا کمال بلا مثال برگزیده ذوالجلال حضرت قادر متعال حمدی ال محمد صلی الله  
علیه و آله وسلم باشد چنانچه بعضی از علماء اعلام و محدثین فحاشا او را باین معنی عمل نموده اند  
و خبری بهم بر این مضمون روایت شده است نموده اند گفته شدن نفس زکیه است در شب کوفه  
با همفدا و نفر از صلوات و این نفس زکیه غیر از حسن زکیه است که در میان کرب و مقام کشته شود  
چنانچه گذشته است و این هر دو علامت ظهور است الا آنکه آن اولی قریب بزمان ظهور  
گفته میشود و این اخیر احتمال دارد بعین زمان ظهور واقع شود یا قریب یا پس ممکن است  
که بعد از این واقع شود و ممکن است که واقع شده باشد در حصه مایه و پایه یا در حصه  
بجیمه و ظهر کوفه شامل اطراف بخت اشرف و خود کربلای معلی میشود و هم سر بریده  
شدن پیدایشی طویل بقدری است در مکه معظمه در میان کرب و مقام و این علامت  
نیز غیر از گفته شدن پیدایشی است و هر کدام علامت علاقه میباشد اگر چه احتمال آنجا  
میرود الا آنکه اصل در تعداد آنجا تعداد است و اصل در کلمات متعدده تا سیست  
تا ناکید یا زده هم مجموع از بعضی علماء اعلام شده که ضرب شدن قصه دار الاماره کوفه یا در  
سجد کوفه از جمله اعلام ظهور است و دیواری حال در شب مسجد است که میکوبید این دیوار  
قصر است و اطراف پایه او از هم رفته است و قدری باقی مانده است که نیامده عاده  
اندیوار بر پایه ایستد و از زده هم خروج میانی است از زمین که احدث شده میکند  
در حدود زمین و اطراف و نواحی آن و اسم او معلوم نیست و احتمال آنیکه واقع شده  
باشد یا واقع شود در او میرود معلوم نیست نیز در هم خروج مغربی است در مصر

بگویند اینست زوایای آن که در آنجا است  
بگویند اینست زوایای آن که در آنجا است  
بگویند اینست زوایای آن که در آنجا است  
بگویند اینست زوایای آن که در آنجا است  
بگویند اینست زوایای آن که در آنجا است  
بگویند اینست زوایای آن که در آنجا است  
بگویند اینست زوایای آن که در آنجا است  
بگویند اینست زوایای آن که در آنجا است  
بگویند اینست زوایای آن که در آنجا است  
بگویند اینست زوایای آن که در آنجا است

بگویند اینست زوایای آن که در آنجا است  
بگویند اینست زوایای آن که در آنجا است  
بگویند اینست زوایای آن که در آنجا است  
بگویند اینست زوایای آن که در آنجا است  
بگویند اینست زوایای آن که در آنجا است  
بگویند اینست زوایای آن که در آنجا است  
بگویند اینست زوایای آن که در آنجا است  
بگویند اینست زوایای آن که در آنجا است  
بگویند اینست زوایای آن که در آنجا است  
بگویند اینست زوایای آن که در آنجا است